

# ضد انقلاب بر اسر کوب کسید، قبل از آنکه فرصت توطئه یابد

نامه مردم  
از گان مرکزی حزب توده ایران  
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۴  
دوشنبه خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریل

## بار دیگر «کمیسون تحقیق» و تلاش مجدد دبیر کل سازمان ملل متحد به سود آمریکا

خبر میرسد که کمیسون تحقیق سازمان ملل بار دیگر برای حل مسئله «بحران بین ایران و آمریکا» به تهران خواهد آمد. بار اول قیافه واقعی این کمیسون برای مردم مپهن مانده بود. دبیر کل سازمان ملل متحد را محافل سیاسی در ایران بقیه در صفحه ۲

## نتایج یازدهمین کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی

یازدهمین کنفرانس اسلامی، در سطح وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی، طی روزهای ۲۷ اردیبهشت تا اول خرداد، در اسلام آباد پایتخت پاکستان برگزار گردید. در این کنفرانس نمایندگان ۴۰ کشور و تعدادی از جنبش های رهایی بخش شرکت کردند. دو کشور جمهوری دموکراتیک افغانستان و مصر از اعضای کنفرانس اسلامی - بعقل متفاوت - در این کنفرانس حضور نداشتند.

دستور کار کنفرانس حاوی ۱۰۲ موضوع کوچک و بزرگ بوده که آنها عبارت بودند از مسئله افغانستان و اشغال سرزمینهای فلسطین از جانب اسرائیل. کنفرانس در پایان کار خود قطعنامه ای را که از جانب هیئت نمایندگی ایران درباره تجاوز نظامی نافرجام آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شده بود، تصویب کرد. در این قطعنامه از جمله آمده است،

- ۱- کنفرانس،
- ۲- کنفرانس در پایان کار خود قطعنامه ای را که از جانب هیئت نمایندگی ایران درباره تجاوز نظامی نافرجام آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شده بود، تصویب کرد. در این قطعنامه از جمله آمده است،
- ۳- توطئه ها و تحریکات اقتصادی توطئه گرانه و خرابکارانه مجاورین امریالیست و صهیونیست علیه حق حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی جمهوری اسلامی ایران را متساویاً محکوم میکند.
- ۴- مراتب خشم خود را از کم و بیش از کشورهای منطقه به آمریکا در جریان تجاوز نظامی آن کشور به ایران اعلام میدارد. به قطعنامه در مورد افغانستان، چهار کشور سوریه، الجزایر، جمهوری دموکراتیک فلسطین، یمن، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین رای دادند.

نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین، در جریان کار کنفرانس، پیشنهاد کرد که هیئت نمایندگی جمهوری دموکراتیک افغانستان، یعنی نماینده دولت قانونی آن کشور به کنفرانس دعوت شود. خود دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز قبل از تشکیل کنفرانس آمادگی خود را برای شرکت در این کنفرانس جهت توضیح مواضع و رویه های جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام کرده و تملیق عضویت خود در کنفرانس کشورهای اسلامی را اقدامی غیر قانونی توصیف کرده بود.

با توجه به اظهارات اکثریت نمایندگان کشورهای شرکت کننده در کنفرانس و قطعنامه های مصوب در آن، همچنانکه انتظار میرفت، در این کنفرانس کوشش عمده در جهت برچسب کردن رویدادهای جمهوری دموکراتیک افغانستان و کم و بیش نظامی اتحاد شوروی به آن کشور بود، که بموجب تقاضای دولت قانونی افغانستان انجام گرفته است. و همین مطلب موجب گردید که جو عمومی حاکم بر کنفرانس، که منطقیاً می بایست علیه امریالیست آمریکا باشد، که با تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی خود در منطقه و تم کنفرانس نافرجام علیه جمهوری اسلامی ایران امنیت و استقلال تمام کشورهای این منطقه و بزرگه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با خطری واقعی و جدی تهدید میکند، علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی بود. و شکست انگیز و تاسف آور اینکه، فعالیت هیئت نمایندگی ایران و شخص آقای قطب زاده وزیر امور خارجه، در این کنفرانس بیشتر در تشدید همین جو بود.

در اظهارات آقای قطب زاده در کنفرانس، زیر پوشش مقاومت در برابر تهدیدات ابر بردتهاست اصلی حمله متوجه اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان بود، تا امریالیست آمریکا و تجاوز دادگاههای انقلاب با قاطعیت به

ضد انقلاب خسته گر فاجعه آفرین، با هزاران چشم و دست و پا است، تا قاره های شور و عنکبوتی خود را به دور انقلاب بلند و آرا بکام کشد سازمانده ضد انقلاب و طرح اصلی توطئه ها، سازمان چینی سیاه است که شیرینی پیروزی ۲۸ مرداد و ۲۵ سال سلطه غارتگرانه تکت بار امریالیست آمریکا، آنی او را از طرح نقشه و نسیمه علیه انقلاب با بزدلانه است.

یکی از اتباع اسرائیل، در نامه ای که به شورای انقلاب اسلامی ارسال داشته و این نامه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ اول خرداد منتشر شده، فاش می کند که:

«بر حسب دستورات مستقیم کابینه برای سرنگونی رژیم آیت الله خمینی نقشه های تهیه شده است»

چنانکه گواه آن بودیم، این نقشه زیر عنوان «نجات جان گروگانها» وارد عمل شد، ولی در نیمه راه ناموفق ماند.

نویسنده نامه افشامی کند که: سرویس های نظامی اسرائیل و آمریکا، یعنی از افسران ارتش و ساواکی های تبعیدی در اجرای این نقشه همکاری دارند.

روزنامه «الشمس» چاپ بیروت می نویسد:

«در آستانه تجاوز نظامی آمریکا، ملاقاتی پنهانی میان نماینده ویژه کاخ سفید و شاه سابق صورت گرفت که نمایندگان فرماندهی نظامی مصر و اسرائیل نیز در آن شرکت داشتند.»

«الشمس» می افزاید:

«در این ملاقات اقدامات مربوط به هماهنگی میان نیروهای نظامی و گروه های مخالف رژیم انقلاب ایران برمی شد.»

گروه های مخالف رژیم انقلاب ایران کیانده؛ سرمایه داران وابسته و فئودالها، ساواکیها، ضد انقلابی های بازداشت شده و آزاد شده از زندان، که دیواره زیر چتر حمایتی ساواک و موساد گرد آمده و به توطئه های شیطانی آنان علیه استقلال و حاکمیت ما پیوسته اند.

نامه یک ساواکی فعال، که مجاهدین انقلاب اسلامی آنرا منتشر ساخته، تأییدی بر این مطلب است. ساواکی فعال می نویسد:

«توجه داشته باشید توطئه گران از اوایل انقلاب شروع به جمع آوری افراد تقریباً بسالی ساواکی و افسران گارد و توکر - شاهی کرده و زیر چتر چیره خوری خود آنها را قرار داده اند، تا آنها هم تمام افراد زیر دست خود را که فراری و یا به لطف دولت موقت پخشیده شده اند، جمع آوری نمایند.»

تردید نیست که صرف نظر از نخستین هفته های بعد از انقلاب، که شناسائی و دستگیری ضد انقلاب، با عناد انقلابی از سوی کمیته ها و پاسداران دنبال شد و آویزد و زیر این نقاب، خط ضد

جرائم رسیدگی و احکامی متناسب با اهمیت جرم صادر کردند، به تدریج چنان وضعی پیش آمد که نخست کار بازداشتها و محاکمه ها به تسامح گرائید، عده ای از خائنان سرشناس وابسته به رژیم پیشین تک تک و بی سروصدا از زندان آزاد شدند و سپس فریاد بختش مجرمان از سوی برخی گروه ها، بر آوازی عدالت خواهی خلق غلبه جست و ساواکی ها صسته دسته از زندانها روانه خانه هاشان شدند. اکنون پیوند نامیون ساواکی ها و ضد انقلابی های مخفی و علنی، با سازمانهای سری ساواک و سیا و موساد در داخل و خارج کشور است که راه بر توطئه های سازمانهای جاسوسی گشوده و امیدهای تازه ای برای «شيطان بزرگ» و هندستانس آفریده است.

از جمله حلقه های اصلی توطئه سیاه علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، ایجاد جو آشوب و تشنج و ویرانگری است که باید زمینه اجرای توطئه اصلی را فراهم کند، خاک در چشمها پاشد و بازیگران را بر صحنه آورد. تجربه ماههای اخیر نشان میدهد که حمله ضد انقلاب به مراکز احزاب، سازمانها و کتابفروشیها، حلقه های از حلقه های سیاه های سازمان جاسوسی آمریکا علیه انقلاب ایران بوده است.

حزب توده ایران پیوسته از ستولین اجرای کشور خواسته است تا گروهک های مهاجر را شناسائی، تعقیب و مجازات کنند و امروز در نامه ساواکی فعال میخوانیم که این گروهکهای تشنج و هرج و مرج بنام دفاع از این یا آن سازمان و یا زیر عنوان حزب الله عمل میکنند. ساواکی فعال در توضیح غرضهای فعالیت ضد انقلاب می نویسد:

«ایجاد آشوب در شهرها و شرکت در توطئه ها بتوان گروم های طرفدار این سازمان یا آن سازمان و یا ظهور در نقش حزب اللهی متحجر»

حزب توده ایران در برابر حملات مکرری که از سوی گروهکهای آشوب به مراکز حزب و دفتر نامه «مردم» در تهران و شهرستانها انجام گرفته است، با حفظ خونسری و اقدام از طریق مراجع مسئول، پیوسته دستهای مشکوک حادثه آفرین را در هر دو سو نشان داده است. ما پیوسته به گروههای درگیر هشدار داده ایم که اعمال و اقدامات آنها همواره باید در ترازوی عدل بودن مصالح انقلاب سنجیده شود. نباید به ضد انقلاب پنهان داد و زمینه را برای عملیات تخریبی آن آماده ساخت. امروز دیگر روزی نیست که ضد انقلاب با شعار دفاع از نظام منظور شاهنشاهی وارد عمل شود، زیرا چنین چیزی ممکن نیست. امروز ضد انقلاب نقاب هواداری از جمهوری اسلامی، نقاب طرفداری از این یا آن سازمان باصطلاح چپ را بر چهره می آویزد و زیر این نقاب، خط ضد

## مخالف دادند.

پلاتون موروزف، قاضی شوروی، که از ابتدای طرح دعوی آمریکا علیه ایران در دادگاه لاهه، با این اقدام مخالفت کرده است، اظهار داشت که آمریکا با اقدامات متعدد خود خسارات فراوانی به جمهوری اسلامی ایران وارد ساخته است، بنابراین چگونه میخواید از این کشور طلب خسارت و زیان کنید؟

موروزف، قاضی شوروی، ضمن انتقاد از نحوه برداشت آمریکا از عملیات نافرجام نجات گروگانها، اظهار داشت: «آقای والدوک اقدام آمریکا را جهت نجات گروگانها یک حقه توصیف میکند، در حالی که این اقدام یک تجاوز آشکار علیه خاک جمهوری اسلامی ایران بوده است.»

پدینسان یاد دیگر کشورهای سوسیالیست و ضد امریالیست در برابر امریالیست آمریکا، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کردند و مرز بین دوستان و دشمنان انقلاب ایران را با دیگر مشخص ساختند.

## قضات اتحاد شوروی، لهستان و سوریه در دادگاه لاهه از حقوق ایران دفاع کردند

نکرفت. ضمن تأیید قاضی دادگاه بین المللی از عملیات نجات نافرجام گروگانهای آمریکایی که در ۴ اردیبهشت صورت گرفت، انتقاد - دند.

قضات شوروی و سوریه با این نظر، که ایران تعهدات خود را در قبال آمریکا زیر پا گذاشته و همچنان به این کار ادامه میدهد، مخالفت کردند.

قضات شوروی و سوریه و لهستان به حکم دادگاه، درباره پرداخت خسارت از سوی ایران به آمریکا رای

در صفحات بعد

فان تنها با ایجاد بخش دولتی ارزان میشود

گام نخست در امر خود کفائی در کشاورزی: ساخت تراکتور ایرانی

کودکان این محله پای کوره های آهنگری پیر می شوند

درباره روش دوستان ما در قبال خانواده و تحصیل

ورزش برای همه در اتحاد شوروی

خواستهای کارگران نانوائی ها

روستائیان محمود آباد: زمینهایمان را گرفتند و در بدرمان کردند

محاكمه گرداندگان حزب به اصطلاح خلق مسلمان نشان داد:

فتووالها، سرمایه داران بزرگ و مزدوران ساواک علیه انقلاب ایران توطئه می کنند

اعتراض افکار عمومی جهان به کشتار وحشیانه سپاهان امریکائی گسترش می یابد

بیکار کردن شاغلیین، کمک به ضد انقلاب است

## برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم







استاد رضا اصفهانی:

علمای از فروش آب در روستاها در سالهای گذشته... متأسفانه در تقسیم آب یک روش عادلانه وجود ندارد...

از گفته‌های مقامات مسئول دولتی و نهادهای انقلابی

رئیس‌جمهور و امام امت و رای شورای انقلاب و دامستان کل انقلاب دانست، و گزارشش بدست رئیس‌جمهوری ارائه داد...

کس در امت می‌خواهیم و ما نیز در شهر خود ناظر چنین روابط ظالمانه‌ای هستیم، مسئولیت مکتبی بما حکم کرد...

آنها زمین در اختیارشان قرار خواهد گرفت و در چنین شرایطی نه زمین خرد میشود و نه کشت با کاهش روبرو میگردد...

اخبار و گفتگو

در روستای محمود آباد: گذری به روستا

زمینهای یمان را گرفتند و در بدرمان کردند



میرزا آقا: ماهمه چیز میتوانیم بکاریم و احتیاجی به آمریکای نداریم

موقع خرمین هم با خدا است که چقدر کندم برداریم. روزی که ما شروع به زراعت روی این زمین کردیم...

هنر تویمان هم از شورای ده کمک گرفته اند. که با آن دودعد موتورچاه خریدند و یک موتور دینکر را تمییز کرده اند...

مشکل عمده‌ای که آنها الان دارند، مشکل آب است. دهقانان می‌گویند: «اگر حالا که وقت آب دادن به گندم است، آب به سرگشت زار نرسد، محصول از بین می‌رود»...

روستای محمود آباد در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی تهران، در کنار جاده خراسان قرار دارد. کوره‌های بلند آجرپزی و کوره‌پزخانه منظره ناخوش آیندی را در کنار گندمزارهای سبز این روستا بوجود آورده است...

سودجویان زمینهای حاصلخیز کشاورزی محمود آباد را میگردند و برای آجرپزی خاکبرداری میکنند

پس از دیگری افزوده شد و خاک زمینهای حاصلخیز این منطقه برای دست کردن آجر مورد بهره‌برداری قرار گرفت. با این وضع دهقانان دیگر چاره‌ای نداشتند جز اینکه آورده شهرها بخونند و یا اینکه در همان کوره پزخانه‌های آجرپزی بکارند...

مسئله آب را در روستای بوم‌شور هر چه سریعتر حل کنید

روستای بوم‌شور در پل واقع است. بطور کلی کشاورزی در این روستا بصورت دیم است. اکثر اهالی خرمدمالک هستند...

وام به روستائیان سیل زده ضروری و مبرم است

بعد از جاری شدن سیل در خوزستان، قرار بر این شده که وام مختصر در اختیار دهقانان و دامداران منطقه گذارده شود. اندوهام قبل از زمین‌لرزه‌ها در درخواستی برای دریافت وام نوشته و به فرمانداری ارسال داشته اند...

بزرگ مالکی در ایران بسود ضد انقلاب و امپریالیسم است

انجام اصلاحات ارضی بنیادی بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین خدمت به تحکیم انقلاب است. کارگران اجرای سریع طرح تصویبی شورای انقلاب در روستاهای ایران را خواستارند. برقراری اتحاد کارگران و دهقانان

حمايت از توليد کنندگان خرده‌پا در شهر و ده

مورد تأیید کارگران است. مستحکم‌باد اتحاد طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا

با تصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه‌ها، باین راه میروند

# کودکان این محله پای کوره‌های آهنگری پیر میشوند

## آهنگران آلونک‌نشین: هر چه بیشتر جان می‌کنیم، فقیرتر میشویم.

● در محله بیست‌متری منصور، در خیابان شهباز تهران، کودکان از ۸ سالگی همراه پیرمردان و مسردان، روزی ۱۲ ساعت آهنگری میکنند.

● مردم محله: کسانی که می‌بمانند و عده می‌دهند که بر ایمان خانه می‌سازند، اگر راست می‌گویند، یک صبح تا غروب بیایند با ما زندگی کنند.

آلونک‌نشین، کوچ نشینی، زورآباد نشینی، حلبی‌آباد نشینی، نایلون‌آباد نشینی، فقرآباد نشینی و حسرت‌آباد نشینی... یادآور دردناک قربان‌ساز شاهی و بقایای منحوس رژیم خونخوار وابسته به امپریالیسم آمریکاست. اکثریتی بیکار، فقیر، بیمار، یادگارسالیان دراز استعمار و استثمار، جایی که آدمیان تا آخرین رقیق کفر می‌کردند، تا کیمه‌های حرمی و آرزوهای پادشاهان زمین‌داران بزرگ، سرمایه‌داران وابسته و انحصار-های بزرگ جهانی را برکنند. سخن از کوچ‌نشینان و دردمندان است که امام خمینی، انقلاب را مرهون تلاش و جانپزایی پیگیر آنان می‌داند و کشور را متعلق به آنها می‌شمارد.

به تماشای فقرآبادی دیگر می‌رویم، با امید اینکه دولت انقلاب در راستای تأکیدات روشن امام در حمایت از زانگه‌نشینان و کوچ‌نشینان، به قلع و قمع هر چه سرپرست پلایا و مصالبی پردازد که قربان‌گریبانگیر این انسانهای رنج‌دیده بوده و هنوز هست!

## آهنگران آلونک‌نشین

اینجا محله آلونک‌نشین خیابان بیست‌متری منصور، واقع در انتهای شهباز جنوبی است. مشخصه این محله نیز مثل تمام محله‌های فقر گرسنگی، کم‌غذایی، کثافت، پشه، مگس و قاصلا... است. در این آلونک‌ها، که با قوطی‌های روغن‌نمایی ساخته شده‌اند، در حدود ۶۰ تا ۷۰ خانوار در بدترین وضع معیشتی زندگی می‌کنند. آدمها رنجور و بیمارگونه به نظر می‌رسند، و صدای تپک و سندان در فضای آلونک‌ها پیچیده است. مردان این محله اغلب میخ سرکج می‌سازند، میله‌های کوچک آهن در کوره‌های کوچک دستی گذاخته می‌شوند و با دست این آهنگران آواره بصورت دلخواه درمی‌آیند. در این محله از زنبای کمتر نشان می‌بینیم. یکی از آهنگران می‌گوید: «زنبای ما اغلب برای رخت‌شویی و کلفتی به خانه‌های مردم

می‌روند و دیروقت برمی‌گردند. محمد اخلاقی، اهل خراسان، یکی از آهنگرانی است که با تپک روی میله‌های آهن می‌کوبد. ۱۷ سال دارد، اما بیترتیب به نظر می‌رسد. زن و یک‌بچه دارد. می‌گوید:

«روزها از هفت صبح تا هشت شب کار میکنم. معمولاً روزانه بین ۴۰ تا ۵۰ تومان درآمد دارم، که پنخور و غیر خرج میکنیم. همه کسانی که اینجا کار میکنند، خراسانی هستند. ما قبلاً در کوره‌های «فرح‌آباد» سابق زندگی می‌کردیم. در دوران طاغوت آلونک‌های ما را با بلدوز خراب کردند و ما آواره شدیم. کار ما آهنگری است. قبلاً میله‌های آهن را کیلویی دوازده ریال می‌خریدیم. حالا شده ۴۴ ریال. می‌بینید که قیمتها دو برابر شده. هر چه قیمت آهن بالاتر برود، درآمد ما کمتر میشود.»

«از آلونک خسته شدم. دولت باید برای مسکن ما فکری بکند. بما کار بدهد. قیمت اجناس را پایین بیاورد. این اصناف است که با روزی سی‌چهل تومان درآمد، بزرگ کیلویی هفده تومان بخریم؟ یعنی بزرگ که چه عرض کنم، با این پولها نان خالی هم نمیشود خورد.»

## بچه‌ها بجای مدرسه رفتن میخ میسازند!

با یکی دیگر از ساکنان آلونک‌نشین خیابان منصور، به اسم فیضی گفتگو میکنیم. فیضی ابتدا از گفتن نامش پرهیز می‌کند. با بی‌اعتمادی می‌گوید: «شما که از آنها نیستید!» می‌گوید: «از کدامها؟» می‌گوید: «از همانهایی که میخواستند به زور ما را وادار

## یاکار یا مدرسه

فیضی می‌گوید: «بچه‌های ما ناچارند کار کنند و خرج خودشان را دریاورند.» پسر بچه هشت‌ساله‌ای، تپک سنگینی را روی میله گذاخته می‌کوبد. میخواهیم از او بپرسیم



نمایی از محله پشت دیوارهای محله، که از بیت حلبی ساخته شده. نمای آجری خانه‌های اطراف را می‌بینید، که خود فقر بیست‌متری منصور را بیشتر نشان میدهد.

چرا به مدرسه نمی‌روید؟ معلوم است که مشاغل بیجایی است. با بخت و حیرت نگاهمان میکنند. میخواهد بگوید: ننگد وضع ما را نمی‌بینید؟ زن جوانی، با کودک شیرخواری که در بغل دارد، نزدیک میشود. می‌گوید:

«آقا شما را بخدا قسم هم فکر ما باشید. اینجا تابستان خیلی گرم است. پر از پشه و مگس و بوی گند و کثافت است. زندگی کردن در این کثافتها خیلی سخت است. این کسانی که می‌بمانند و عده می‌دهند که بر ایمان خانه میسازند، اگر راست می‌گویند و اگر واقعا میخواهند بدانند که ما چطور زندگی می‌کنیم، یک صبح تا غروب بیایند و با ما زندگی کنند. دوست‌هایم نمیتوانند طاقت بیاورند.»

به خانم جوان می‌گوئیم: ما

## در جهان سوسیالیسم

### سیستم آموزشی کشورهای سوسیالیستی

در سده گذشته، سیستم آموزشی کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» دگرگونی‌های بنیادی یافته است. در این کشورها، نه تنها همه امتیازات و تبعیضات طبقاتی در گستره آموزش از میان رفته، بلکه آموزش، در همه سطوح، بکلی رایگان است. پیشتر دانشجویان کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» از بورس دانشجویی بهره‌مند میشوند.

دردنبر شماره دانشجویان برخی از کشورهای سوسیالیستی به نسبت ده‌زار شهروند باینکدیگر مقایسه میگردد.

کشور	سال تحصیلی	شهروند
بلغارستان	۱۳۵۷/۵۸	۱۰۸
جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی	۱۳۵۷/۵۸	۱۲۱
جمهوری دموکراتیک آلمان	۱۳۵۷/۵۸	۷۶
کوبا	۱۳۵۷/۵۸	۱۳۹
جمهوری توده‌ای منولستان	۱۳۵۷/۵۸	۱۲۵
لهستان	۱۳۵۷/۵۸	۱۳۸
رومانی	۱۳۵۷/۵۸	۸۷
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی	۱۳۵۷/۵۸	۱۹۵

## در جهان سرمایه‌داری

### تبعیض بین زنان و مردان در کشورهای سرمایه‌داری

بموجب ماده هفتم «معاهده بین‌المللی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، مصوب ۱۳۴۵، کشورهای امضا کننده تضمین می‌کنند که در کشورهایشان بدون هیچ تبعیضی، در برابر کار مهارت‌آموز، پاداش برابر، پرداخته شود. این کشورها بویژه باید توجه داشته باشند که «شرایط کار زنان پدر از مردان نیست و در برابر کار برابر، دستمزد آنها نیز یکسان است»

جدول زیر حقوق زنان برخاسته از کشورهای سرمایه‌داری را

کشور	درصد حقوق زنان نسبت به مردان
اسرائیل	۵۶
ایالات متحده آمریکا	۶۰
ترکیه	۶۰
جمهوری فدرال آلمان	۶۵ (تنها دستمزد کارگران)
بلژیک	۶۸ (تنها دستمزد کارگران)
سوئد	۸۹ (تنها کارکنان صنایع)

یادآور میشویم، که در همه کشورهای سوسیالیستی، در برابر کار برابر، مزد برابر پرداخت میگردد.

خبرنگاریم. ما حرفهای شما را می‌نویسیم، ولی جز این از ما کاری بر نمی‌آید. «آره، نگاه کن!» بلافاصله تپک را بر میدارد و شروع به ساختن میخ میکند. بقیه در صفحه ۷

## کنسرو و چه مزه‌های میدهد!

دعاکنان از ما دور میشود. از



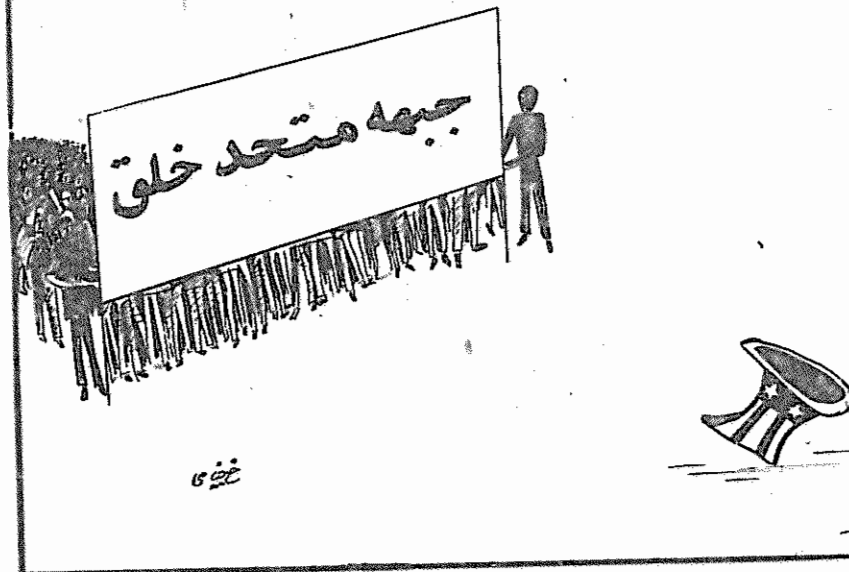
دو کودک در آلونکی در پای وسایل آهنگری ناهارشان را می‌خورند: چند قاشق برنج و کمی مساست. این بچه‌ها همینکه بتوانند، برای کار کردن پای کوره خواهند رفت.



عباس ۱۳ سال دارد. حالا باید مدرسه باشد، اما کنار کوره آهنگری سرگرم صاف کردن میخ‌های کج است. حرفه‌ای که در آن پیر میشود.

# گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بارنجات داد.





شوخی نیست...

شباهت ناگزیر

در کنفرانس اسلام آباد برای مبارزات... افزایش ۸۰ میلیون دلار جمع آوری شد...

ضدانقلاب می تازد

در رابطه با تعطیل شدن بنیاد مستضعفین در استان لرستان، سرپرست این بنیاد در گفتگویی...

فرماندار ملایر با انتشار اطلاعیه ای بعنوان اعتراض به وجود عناصر رژیم سابق در ادارات از سمت خود استعفا داد...

در ادامه فرمان انقلابی امام خمینی جهت تهیه مسکن برای مردم مستضعف ایران و در مقابل با کارشناسی های زمین خواران...

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز در جلسه محاکمه توطئه گران حزب منصفه خلق مسلمان گفت...

«بنوان مثال آقای عزیز ژاندارم، که ۳۶ سال سابقه جنایت و زنا و لواط کاری داشت... زیر پوشش این کمیته به فعالیت ضدانقلابی پرداخت...»

تقویت سیاست

عکس العمل خشم آلود مردم آمریکا نسبت به مساله گروگان گیری باعث شده که دولت دست راستی ها و میلیتاریسم و صیبه در جامعه آمریکا تقویت شوند...

امکان ندارد!

روزنامه اطلاعات خبر داد رسانه های گرومی نیز گفتند که «اولین روزنامه مسلمانان شوروی به زبان فارسی در تاشکند منتشر شده»...

بدون شرح

سخنکوی جنبش امل که به همراه هیاتی به ایران آمده است گفته...

«در خلاف ادعای لیبی، تمام مدارک دال بر اینست که امام موسی صدر خاک لیبی را ترک کرده و هنوز در لیبی اسیر است»...

آیت اله خلخالی پس از سفر به لیبی، «امام موسی صدر قربانی توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم شده و به قتل رسیده است و از این نظر مسئولیتی متوجه لیبی نیست»...

بیکار کردن شاغلین، کمک به ضد انقلاب است

اخیراً عده ای از ناپایان ها...

شاغل در کارگاه شماره یک ناپایان، میگویند که عده ای به دفتر نامه مردم فرستاده اند که در آن ضمن شرح کوتاهی از مبارزات خود علیه رژیم ضد مردمی... «در سال ۱۳۴۹ سازمان ملی رفاه ناپایان» تاسیس شد...

روقت که ناپایان به وزارت بهداری مراجعه میکنند و علت تعطیل شدن کارگاهها را اجویا میگویند، مسئولین امر ناپایان را بعنوان اخلاک گر به کلاس تری ۹ ویا به کمیته مرکزی امام تحویل...

سر وقت که ناپایان به وزارت بهداری مراجعه میکنند و علت تعطیل شدن کارگاهها را اجویا میگویند، مسئولین امر ناپایان را بعنوان اخلاک گر به کلاس تری ۹ ویا به کمیته مرکزی امام تحویل...

درباره روش دوستان ما در قبال خانواده و تحصیل

جدی بودن در تحصیل و کسب حرمت و اعتبار در خانواده، ابتدا مناسقی مبارزه سرسخت و اصولی بودن نیست

تزدیک میشود، بیرهنیزند، بیحس و بیروایتی عقیدتی در خانواده گاه پیش میآید، ولسی دوستان ما در این جنبه باید مودب، خوددار و با زرش باشند، یعنی وقتی مشاهده میکنند که بحث از مجرای سالم و محبت آمیز خود خارج میشود، با اذیت و مراعات آنرا ادامه ندهند و تصریح کنند که آنها قصد تحصیل عقیده خود را یکس ندارند و روش آنها استدلالی و اقلایی است و عقاید افراد را محترم میسرند...

در نامه ها یا اظهارات شفاهی برخی از پدران و مدرسان این پرسش مطرح میشود: «نظر حزب در مورد برخورد افراد و انضام نسبت به تحصیل چیست؟ حزب مایل است اعضاء وی در خانواده چگونه روشی داشته باشند؟» این مطلب برای حزب ما تازه نیست...

در این موارد باید کلیه امکانات و مقدرات برای حل انسانی و با فرهنگ آن دشواری که پیش آمده، بکار رود. ما از دوستانمان خواستار صبر، تحمل، ادب و خودداری هستیم. اگر کلی رزم اینها، امر ناآشود که باید یا از عقیده خود دست کشید و تسلیم شدیا رابطه ای را متوقف گذاشت، طبیعی است که افراد صاحب عقیده، رنج آنرا تحمل میکنند...

مبارزه اجتماعی، خواه از نظر حزب ما و خواه از نظر پیش انقلابی اسلامی، جزء وظایف انسانی هر کسی است که نخواهد زیر بار دروغ و غارت و ستم برود و در این امر استثنائی بین افراد نیست...

تأسیسات ورزشی در اتحاد شوروی - کودکی با ورزش آشنا شوند، امکانات و تأسیسات بوجود آید و آموزشهای لازم جهت استفاده از وسایل برای تربیت و سالم سازی بدن صورت گیرد...

در اتحاد شوروی وجود می - ۲۰ میلیون ورزشکار در آن واحد بتوانند در این تأسیسات ورزش کنند...

ورزش برای همه در اتحاد شوروی



شوند، که خدمات ورزشی مختلفی را در اختیار دانشجویان قرار میدهند، و اگر بعد از کلاس دهم وارد کارخانه شوند، بنوبه خود وارد انجمن ورزشی بورستینک خودشان می شوند...

۳۷ انجمن ورزشی از این نوع در اتحاد شوروی وجود دارد که ۷۰ تا آنها ملی هستند و هر تیمه اتحاد شوروی میتواند در آن عضو شود...

چنانگه اداره میشود، از این انجمنها در سطح هر جمهوری، یکی برای شهرها و یکی برای روستاها وجود دارد...

عضو شدن در انجمن ورزشی بورستینک یک گواهی پزشکی دائمی برست تندرستی و همچنین مبلغ ۳۰۰ کوبک (به اندازه قیمت یک دانشجو) میتواند حق ورود به گرفته میشود...

در اتحاد شوروی پیش از ۸۰ هزار مربی حرفه ای وجود دارد، که به کمک ۶ میلیون دستیار تلمیم و تربیت ورزشکاران را برعهده دارند...

ورزش یکی از دروس اجباری مانند ریاضیات، زبان ملی ویا دیگر دروس، از کلاس اول تا دهم است...

همچنین در اتحاد شوروی ۲۲۰ هزار گروه تربیت بدنی و مراکز ورزشی در سطح توده ای وجود دارد، که هدف آنها بیشتر تربیت و سالم سازی بدن افراد است...

روز صبح نیز بی نامهای علامه بر ازادی و تولدین یون پیش می شود که تمام مردم از کودکی گرفته تا افراد مسن، با این تمرینات به ورزش می پردازند...

این برنامه در حال حاضر ۵۰ سال است که ازادی و پیش می شود و تولدین نیز از ۵ سال پیش به پیش آن پرداخته است...

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد

برنامه حزب توده ایران در شرایط کنونی و آئینده پوشش و پاسخ نوردین کبانوری

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود